

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد برای مشارکت در بازسازی بافت‌های فرسوده نمونه موردی: بافت فرسوده‌ی بخش مرکزی شهر اهواز

دکتر علی موحد^۱، دکتر محمدعلی فیروزی^۲، رضا زارعی^۳ و مسعود ظفری^۴

چکیده

وسعت بالای بافت‌های فرسوده شهری و آسیب‌پذیر بودن این بافت‌ها از یک سو، و نوسازی آن‌ها از سوی دیگر، بحث مشارکت شهروندان^۵ را به یکی از مسائل اساسی در این حوزه شهرسازی تبدیل کرده است، در همین راستا سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان اهرم جدیدی برای ارتقای میزان مشارکت در بازسازی بافت‌های فرسوده و جایگزینی برای بخش دولتی در ارائه خدمات محسوب می‌شوند. این پژوهش با هدف ارزیابی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد جهت مشارکت در نوسازی و بهسازی بافت فرسوده نگاشته شده است. همچنین، به دنبال بررسی ارائه الگوهای مشارکت و نهادهای مردمی در تجدید حیات دوباره بافت‌های فرسوده شهری است. بیشترین تأکید آن بر روی متغیرهای رضایت، نهادهای مردمی، موانع اجتماعی و فرهنگی و درآمد می‌باشد. روش تحقیق از نوع پیمایشی و شیوه نمونه‌گیری آن نیز به صورت تصادفی است. همچنین، جامعه آماری، ساکنان بافت مرکزی اهواز انتخاب شده است، که در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۶۰۷۲ نفر جمعیت داشته است. از این تعداد جمعیت ۱۹۶ نفر به عنوان حجم نمونه از طریق فرمول کوکران تعیین شده است. سپس بر اساس آزمون‌های خی‌دو و ضریب همبستگی کندال فرضیه‌های ارائه شده مورد آزمون قرار گرفته‌اند. در پایان، نتایج نشان می‌دهد که تقویت ارزش‌های فرهنگی و قومی منجر به تقویت مشارکت و فعال کردن سازمان‌های مردم‌نهاد در نوسازی و بهسازی بخش مرکزی اهواز خواهد شد. عدم شکل‌گیری نهادهای مردمی همراه با تحولات اجتماعی و قومی مردم در سال‌های اخیر باعث شده است که جریان مشارکت در بهسازی و نوسازی محله رو به کاهش بگذارد.

کلیدواژگان: سازمان‌های مردم‌نهاد، بافت فرسوده، نوسازی و بهسازی، مشارکت، شهر اهواز.

۱. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی

۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

۴. دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

مقدمه و طرح مساله

بالا بودن میزان درآمد در مراکز شهرها به واسطه مرکزیت جغرافیایی و خدمات بهتر و تدوام این جریان در ادوار گذشته بر میزان فرسودگی کالبدی بافت افزوده است به طوری که حرکت‌های اجتماعی مهاجرت را در این مراکز به نحوی رقم زده است که ساختار جمعیتی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است و در نتیجه، فرآیند رکود و تنزل مشکلات شهری دو چندان می‌شود (احمدی، ۱۳۸۲: ۴۵).

امروزه مسایل و مشکلات عمران شهری یکی از جدی‌ترین مشغله‌های شهرنشینی مطرح می‌شود (ایزدی، ۱۳۷۹: ۱۴).

سال‌هاست که بازسازی بافت‌های نابسامان شهری (بافت‌های فرسوده، بخش مرکزی شهرها و...) به عنوان یکی از مسائل مهم شهری در تمامی دنیا مورد توجه قرار گرفته و موضوع اساسی مباحث و جریان‌های جنجال برانگیز شده است. در ایران نیز پژوهش‌ها، طرح‌ها، مطالعات و پروژه‌های متعددی با دیدگاه‌ها و نظرات مختلف به مسائل بافت‌های نابسامان و پیشنهاد راهکارهایی برای بازسازی آن‌ها پرداخته‌اند. با این وجود هنوز هم بافت‌های نابسامان شهری یکی از پر مسأله‌ترین مناطق شهری به شمار می‌روند که با معضلات و مشکلات بسیاری روبرو هستند. مشکلاتی که دامنه فراگیری آن‌ها علاوه بر خود بافت، تمامی شهر را در برمی‌گیرد. (غفاری، ۱۳۸۰: ۱۴).

آنچه که در این بین می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، آن است که قواعد و قوانین حاکم بر اجتماع و بافت، دو مؤلفه اصلی در انتظام بخشی مجدد به محیط در بهسازی و نوسازی این نوع بافت‌ها، محسوب می‌شود. این دو مقوله (بافت و اجتماع) به مثابه ظرف و مظروف‌هایی‌اند که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند، بافت و اجتماع در همبستگی و پیوستگی لازمی شکل گرفته باشند قابلیت‌هایی را به دست می‌دهند که می‌توانند نقطه اتکای درونی در حرکت نوسازی و بهسازی تعریف شود.

در این مقاله تلاش شده است به بررسی گروه‌های مردم نهاد جهت مشارکت در بازسازی بافت‌های فرسوده بخش مرکزی اهواز پرداخته شود. به همین منظور سوال‌های به شرح زیر مطرح شده است.

در این مقاله سوال‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. عوامل تأثیرگذار بر تزلزل ساختارهای اجتماعی و نهادهای مردمی در امر احیاء و بازسازی بافت نابسامان کدام است؟
۲. چگونه می‌توان نهادهای مردمی را به عنوان نهادهای مشارکتی تأثیرگذار در امر احیاء و بازسازی بافت‌های نابسامان شهری وارد کرد؟
۳. موانع اجتماعی - فرهنگی که موانع تأثیرگذار در ایجاد انگیزه تشویقی برای نهادهای مردمی در بخش مرکزی اهواز هستند کدامند؟

فرضیه‌ها

۱. نبود روحیه مشارکتی عاملی تأثیرگذار بر تزلزل ساختارهای اجتماعی و نهادهای مردمی در امر نوسازی و بهسازی بافت‌های نابسامان شهری است.
۲. با تأکید بر جنبه مشارکتی بودن طرح‌های نوسازی و بهسازی می‌توان نهادهای مردمی تأثیرگذار را در جریان نوسازی و بهسازی وارد کرد.
۳. مسائل قومیتی و نبود روحیه مشارکتی عاملی منفی در ایجاد انگیزه تشویقی در بخش مرکزی اهواز جهت نوسازی و بهسازی است.

روش تحقیق

روش شناسی تحقیق در جهت تشخیص میزان مشارکت اجتماعی و گروه‌های مردم‌نهاد به عنوان قابلیت‌های اصلی در محرک‌های نوسازی بافت‌های فرسوده بوده است. در این زمینه مباحث نظریه‌ای مطرح شده، راهنمای عمل در جهت تشخیص چنین وضعیتی در نسبت با فضایی است که به صورت موردی، بررسی و مطالعه شده است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از شاخص‌های برگرفته از مباحث نظریه‌ای در محورهای مشارکت و گروه‌های مردم‌نهاد اجتماعی، محیط تحقیق را بررسی و تحلیل می‌کند. نظام گردآوری اطلاعات در حوزه اجتماع از طریق پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری تحقیق تعداد ۱۵۵۱ خانوار بخش مرکزی اهواز است. حجم نمونه آن از طریق فرمول کوکران محاسبه شده و تعداد ۱۹۶ پرسش‌نامه به صورت تصادفی توزیع شده است.

$$n = \frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/07)^2} = 196$$

کلیه محاسبات در سطح معنی‌داری $\alpha = 0/05$ در نظر گرفته شده است. برای بررسی میزان پایایی داده‌های تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان پایایی (آلفای کرونباخ) ۱۱ متغیر مورد مطالعه در این پرسش‌نامه ۰/۶۳۹ است. بنابراین اعتبار این پرسش‌نامه قابل قبول است. همچنین، از آزمون‌های خی دو و ضریب همبستگی رتبه‌ای کندال جهت سنجش و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

فعالیت‌های مربوط به احیاء و بازسازی بافت قدیم شهرها را باید در اروپای غربی به ویژه در کشورهای فرانسه، انگلیس به دلیل آغاز اولیه انقلاب صنعتی در آن‌ها (دوره ۱۸۳۰-۱۷۶۰) جستجو کرد (لنسکی و همکاران، ۱۳۶۹:۹). به این شرح که ابتدا فرانسوی‌ها در سال ۱۸۳۷ تشکیلات خاصی را به نام (کمیته ویژه هنرها و بناهای تاریخی) بنیان نهادند که عمده‌ترین فعالیت آن‌ها فهرست برداری، حفظ عناصر و اماکنی بود که در خطر ویرانی قرار داشت. پنجاه سال بعد در انگلستان یعنی در سال ۱۸۷۷ ویلیام موریس انجمنی را برای حفظ ساختمان‌های قدیمی پایه‌گذاری کرد که این انجمن هنوز پا برجاست و پیشرو بسیاری از سازمان‌ها در این زمان حاضر به بشمار می‌رود (توسلی، ۱۳۷۱: ۴۰).

به طور عمده سه نوع، سیاست‌گذاری در تجدید حیات شهری در غرب را نشان می‌دهد. در نوع اول که تا سال‌های قبل از ۱۹۶۰ را شامل می‌شود، تأکید بر ویژگی‌های کالبدی و محیط صنوع بوده، هدف آن بهبود شرایط سکونتی غیرقابل تحمل در ساختمان‌های قدیمی بوده که به عنوان یک استراتژی تجدید حیات شهری در «پاکسازی زاغه‌ها» احیاء رویکرد بیشتر مکان‌هایی که اجرا شد، محکوم و نامناسب شناخته شده و نشان می‌دهد که تغییر در محیط کالبدی، تأثیر معینی بر رفتار اجتماعی دارد.

سیاست‌های نوع دوم، مبتنی بر باززنده‌سازی محلات، به عنوان یک راهکار جامع با تأکید بر مسایل اجتماعی (۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰) مطرح می‌شود. این دیدگاه، متأثر از انتقادهای شدیدی است که به راهکار بولدوزری سیاست‌های نوع اول وارد شد و این در حالی است که در همان زمان

حل مشکلات اجتماعی مردم از راه ایجاد خدمات اجتماعی و بهبود کیفیت آن در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های جدید صورت می‌گرفت و زمینه آن مشارکت ساکنین محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری بوده است؛ می‌باشد. سیاست‌های نوسازی نوع سوم، باززنده سازی، «مشارکت حداکثری» لذا شعار این دوره به ویژه در مراکز شهری و راهکاری اجرایی با تأکید بر توسعه اقتصادی است. در سال‌های اولیه دهه ۱۹۷۰، کندی و رکود اقتصادی در سطح دنیا حاکم شد. در سال‌های دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، فرایندهای خود به خودی جالب توجهی از باززنده سازی در شهرهای بزرگ کشورهای توسعه یافته مورد استفاده قرار گرفت. قیمت پایین زمین و مسکن در مرکز شهرها سبب جذب پیمانکاران و مقاطعه‌کاران کوچک و بزرگ شد. از سوی دیگر مشارکت عمومی مردم و سرمایه‌گذاران در بافت‌های فرسوده، چه به طور مستقیم (خصوصاً به شکل وام‌های کمکی) یا غیرمستقیم (مقررات خاص، سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی فراگیر و...)، نشان داد که اقدامات تجدید حیات و فرآیندهای اصالت بخشی به صورت خصوصی و عمومی، تأثیر مثبتی بر شرایط محدوده‌های مورد نظر دارد (بزرگر و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۳).

اما مشارکت شهروندان در قالب گروه‌های مختلف از جمله مردم‌نهاد در امور مربوط به شهر ابتدا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شکل گرفت. در این دوره، قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت شهروندان تصویب شد که ماهیت فرایندهای تصمیم‌گیری شهری را تغییر داد (اوست، ۱۳۷۷: ۹۷). دخالت در بافت قدیم شهرهای ایران با روی کار آمدن رضاخان به طور جدی آغاز شد، قانون تعریض و توسعه معابر در سال ۱۳۱۲ و شروع شهرسازی بولدورز، قانون و آئین‌نامه پیش‌آمدگی درگذرها، تهیه طرح جامع در سال ۱۳۴۵ و دفتر بهسازی بافت شهری در سال ۱۳۶۶ و غیره، همه آثاری از مداخله و توجه به بافت کهن شهری در ایران هستند.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۵۶) برای اولین بار بحث باززنده‌سازی را با کتابی به نام «باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی» را با تأکید بر معماری و کالبد مطرح نموده است. مهم‌ترین بحث و نتایج این کتاب چنین برمی‌آید که اولین و مؤثرترین اقدام برای احیای مراکز تاریخی شهر، شناخت کامل، درک اهمیت و هدایت و کنترل تحولات آن در گذر زمان است. هدایتی که متضمن پویایی این مراکز در راستای نیل به توسعه پایدار شهری، باز گرداندن منزلت و جایگاه از دست رفته به آن بر اساس زمینه‌های تاریخی و یادمان‌های موجود باشد (فلامکی، ۱۳۵۶).

شقایبی، سپیده (۱۳۷۶) در مقاله‌ای با عنوان "عمران شهری و مشارکت شهروندان"، به بررسی مشارکت مردم در عمران شهری خصوصاً مدخل نگرش بر موضوع مشارکت شهروندان در توسعه یا احیاء بافت‌های شهری می‌پردازد. در این مقاله مهم‌ترین نتایج ارائه شده به نحوه مشارکت شهروندان و استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی موحود در محلات می‌پردازد (شقایبی، سپیده، ۱۳۷۶).

محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل نقش و جایگاه مشارکت"، به ارائه تعریف مشخص از مشارکت مردمی پرداخته، ضرورت‌ها و منافع و نیز موانع مشارکت را معرفی کرده و ترتیب‌های نمادی آن را مورد بحث قرار داده است (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۷۹).

نریمان، مسعود (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان "مشارکت شرط لازم دخالت در بافت‌های شهری، با شناسایی نهادها و مؤسسات اجتماعی موجود در بافت‌ها"، نظام ارتباطات اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی، گروه‌های اجتماعی فرهنگی موجود، نظام رهبری محلی با استفاده از روش‌های مناسب و یافتن راهبردهای عملی را بررسی کرده است (نریمان، مسعود، ۱۳۷۹).

شریفیان‌ثانی، مریم (۱۳۸۰) در مقاله "مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری" به این نتیجه رسید که کسب نظر شهروندان در صورتی که واقعی باشد، سودمند است و همه شهروندان احساس می‌کنند که در جریان عادی جامعه کنار گذاشته نشده‌اند (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰).

کلانتری، خلیل (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان "مشارکت مردمی در هویت بخشی به سیما و کالبد شهر"، با نگرشی بر دو عامل فرهنگ و اقتصاد، کنکاشی پیرامون بافت قدیم و سیمای شهر و چگونگی حضور و مشارکت مردم در بهسازی محلات قدیم شهر یزد پرداخته است. مهم‌ترین نتیجه‌گیری این مقاله به این موضوع اشاره دارد که هر چند ناحیه تاریخی شهر یزد از نظر مدیریتی دارای مشکلاتی چون ضعف عواملان تصمیم‌گیری (تعدد دستگاه‌های مؤثر در امر مدیریت، عدم اقتدار شهرداری ناحیه تاریخی، عدم مشارکت بخش خصوصی و مردمی، کمبود نیروی انسانی متخصص و...)، فقدان اسناد و ابزار کارآمد تصمیم‌گیری و ... است، ولی وجود نیروهای متخصص در سطح شهر یزد، فعال شدن شورای شهر یزد، بازسازی بخشی از محلات بافت قدیم، فعالیت دفاتر مختلف اداری و خصوصی در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی ناحیه تاریخی بخشی از امکانات و قابلی نهایی است که می‌تواند در بهبود عملکرد سیستم مدیریت شهری محدوده مؤثر باشد (کلانتری، ۱۳۸۴).

احمدی، حسن و شهابی، منیرالسادات (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «مشارکت محلی، ضامن بهسازی پایدار بافت‌های فرسوده» بررسی تجربه بهسازی محله سیروس تهران به این نتیجه رسید که حتی اگر نگرش و تلقی صحیحی از مشارکت مردم در امور شهرها و برنامه‌یزی برای مسائل و مشکلات آن وجود داشته باشد، لیکن در اجرای این ایده با مشکل مواجه هستیم (احمدی و همکاران ۱۳۸۷).

چارچوب نظری

سازمان‌های مردم‌نهاد^۱

واژه NGO یک واژه بین‌المللی است که در اوایل دهه ۱۹۴۰ میلادی در «کتاب سال» سازمان‌های بین‌المللی اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی گنجانیده شده است. این واژه همچنین به بند ۷۱ منشور ملل متحد اشاره دارد. در سال‌های قبل این واژه صرفاً در زمینه بین‌المللی به کار گرفته شده است. با مطالعه بیشتر در حوزه ادبیات سازمان‌های مردم‌نهاد به این نتیجه می‌رسیم که اتفاق نظر خاصی در این مورد که چه نوع نهادهایی می‌توانند به عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد مورد ملاحظه قرار گیرند وجود ندارد. مجموعه‌ای متنوع از نهادها می‌توانند بیانگر جامعه مدنی در چارچوب سیاسی جوامع باشند. بعضی صاحب‌نظران در غرب همه سازمان‌های غیرانتفاعی را در این جایگاه قرار می‌دهند در این دیدگاه، موزه‌ها، مدارس، بنیادهای خیریه، اتحادیه‌های تجاری، سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی (آن‌هایی که در کشورهای توسعه یافته تشکیل شده‌اند ولی در نقاط دیگر جهان فعالیت می‌کنند) و سازمان‌های مردمی و محلی وابسته به توده عوام می‌توانند تحت عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد مورد ملاحظه قرار گیرند (مقیمی، ۱۴:۱۳۸۳) گروهی از صاحب‌نظران دیدگاه محدودتری دارند و تنها سازمان‌هایی همچون سازمان‌های وابسته به توده‌ی مردم و سازمان‌های حمایتی از توده مردم را که خارج از سطح محلی فعالیت می‌کند را سازمان‌های مردم‌نهاد می‌نامند (رایسان، ۲۰۰۱: ۲).

1. Non-government organization (NGO)

سازمان‌های مردم نهاد و طرح‌های بازسازی

سازمان‌های مردم نهاد جایگزینی برای بخش دولتی در ارائه خدمات محسوب می‌شوند. برای آنکه در هزینه‌ها صرفه‌جویی شود و کارایی خدمات و طرح‌های دولتی نیز بیشتر گردد، دولت‌ها به این سمت روی آورده‌اند که قراردادهای مشترکی را با سازمان‌های مردم نهاد منعقد کنند، یا اینکه تخفیف‌ها یا امتیازهای ویژه‌ای را برای فعالیت‌هایی که در دست انجام دارند و متناسب با خدمات دولتی است در نظر بگیرند. در سطح محلی طرح‌های کوچک بسیاری وجود دارد که حجم کار زیادی را بر دوش دولت گذاشته است، سازمان‌های مردم نهاد نقش بسیار مهمی در اجرای این قبیل طرح‌های کوچک که متناسب با توان و تخصص آن‌هاست دارند. در عین حال منابع مالی که از این طریق در اختیار سازمان‌های مردم نهاد قرار می‌گیرد باعث ثبات و استمرار آن‌ها و ارتقای ظرفیتشان در رسیدن به اهداف می‌شود نتیجه‌ی این تعامل آن است که شهروندان خدمات بیشتری را آن‌هم با کیفیت بهتر، در اختیار خواهند داشت (شکاری، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

مشارکت

تاریخ حیات انسان تاریخ همکاری و مشارکت است. زمانی که نخستین بار انسان دریافت که می‌تواند با تجمع توان خود بر مشکلات فائق آید مشارکت زاده شد. از انباشت تجربه تاریخی بشر، مشارکت در مفهوم امروزی خود متبلور شد. امروزه مشارکت در بستر جامعه‌ای دموکراتیک و مدنی صورتی نهادمند به خود می‌گیرد. در جامعه مدنی تشکل‌های مستقل از دولت در شرایط برابر و برخوردار از اطلاعات و امکانات مساوی زمینه مشارکت افراد در امور مربوط به خودشان را فراهم می‌سازد (راهنما، ۱۳۷۷: ۱۱۵). فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است. مؤسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی مشارکت را «کوشش‌های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه‌ها و جنبش‌هایی که تاکنون از حیطة اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده‌اند» تعریف می‌کند (غفاری، ۱۳۸۰: ۳۷). بر مبنای این تعریف توانمندسازی و نظارت بر امور مربوط به خود، از اهمیتی فزاینده برخوردار است. گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن به طور ارادی به فعالیت اجتماعی منجر می‌شود.

مشخص بودن آمال و اهداف مشارکت‌کننده از رهگذر آگاهی وی نسبت به عواقب کنش خویش منجر به مشارکت فعالانه، داوطلبانه و ارادی مشارکت‌کننده می‌شود. در اینجا «مشارکت‌کنشی است که از رهگذر آن شهروندان یک جامعه، شرایط تحقق انتظارات خود را مهیا می‌سازند». بر این مبنا مشارکت «تعهدی فعالانه، آزادانه و مسئولانه» است که به عنوان یکی از سازوکارهای اعمال قدرت از درون جامعه برمی‌خیزد (کائوتری، ۱۳۷۹: ۶).

بافت فرسوده

بافت‌های فرسوده یکی از انواع مختلف بافت‌های آسیب‌پذیر شهری هستند که به دلیل فرسودگی کالبدی، بر خورداری نامناسب از دسترسی سواره، تأسیسات خدماتی و وجود زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر، ارزش محیطی و اقتصادی پایینی دارند. تحقق عدالت اجتماعی، ایجاد و شکل‌گیری محیط زیستی امن، ایمن و دلخواه برای زندگی و فعالیت شهروندان در راستای برخورداری از فرصت‌های برابر زندگی، از اهداف کلان سند چشم‌انداز کشور است که بدون شک، بافت‌های فرسوده شهری، با داشتن مسایل و مشکلات کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و..... محیط‌های را برای ناسازگاری با این هدف ایجاد کرده‌اند (زندگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

علل و پیامد فرسودگی

اصولاً فرسودگی به کالبد منحصر نمی‌شود بلکه، معرف وجود شرایطی است که زندگی انسان را در ابعاد مختلف تهدید می‌کند. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد تداوم این روند در بافت‌های فرسوده خود به منزله زلزله‌ای فاجعه‌آمیز است که نسل‌های آینده را نشانه گرفته است. این شرایط مواردی همچون میزان بالای جرایم، وجود معضلات اجتماعی، وجود فقر اقتصادی، نبود زیرساخت‌های مناسب کالبدی، آسیب‌پذیری در برابر زلزله، عدم امکان امداد رسانی مناسب در مواقع بحران و بسیاری موارد دیگر را شامل می‌شود. چنین شرایطی همواره جنوب شهر و بافت‌های فرسوده آن را مورد تهدید جدی قرار داده، ضمن تبدیل به یک شهر دو قطبی، شکافی عمیق میان مناطق جنوبی و شمالی شهر پدید آورده است. با این وجود نوسازی بافت‌های

- فرسوده با دشواری جدی روبه روست که علل مختلفی از جمله موارد زیر را دربرمی گیرد:
- نابرابری اقتصادی اجتماعی و دو قطبی شدن شهر: قرار گرفتن بافت‌های فرسوده در قطب کم بهره (غفلت نسبت به تحقق عدالت اجتماعی که زمینه ساز نابرابری فرصت‌های رشد و بالندگی است).
 - الگوی برنامه‌ریزی شهری کالبد محور: که موجب کمبود و نامطبوع بودن فضاهای خدماتی و مدنی در بافت‌های فرسوده شده است.
 - پایین بودن نسبت سطح معابر: که موجب کاهش میزان دسترسی درونی و بیرونی بافت‌های فرسوده می‌شود.
 - پایین ماندن ارزش املاک: که باعث تقویت چرخه فقر و فقدان توجیه اقتصادی برای نوسازی مردمی در این مناطق می‌شود.
 - کمبود خدمات شهری: که موجب کاهش سرانه‌های زیستی و افزایش آسیب‌ها و محرومیت‌ها شده است.
 - نازل بودن کیفیت ساخت: که فرسودگی زودرس این مناطق را به دنبال داشته است (ادیبی سعدی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۳).

ضرورت‌های مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها

- دلایل متعددی برای مشارکت دادن شهروندان در اداره‌ی امور شهرها وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:
- الف. گسترش ارزش‌های فرهنگی که هنجارهای برابری و مردم‌سالاری را تقویت می‌کند و به افزایش تقاضای شهروندان برای مشارکت می‌انجامد.
- ب. دگرگونی‌هایی که در میزان بهره‌مندی از آموزش و سن و سطح درآمد شهروندان پدید آمده است، هم انگیزه برای مشارکت جوانان تحصیل کرده و متعلق به طبقه متوسط را افزایش داده و هم مشارکت را بالا برده است.
- ج. مشارکت در امور مختلف موجب افزایش کارایی شده است.
- د. افزایش پیچیدگی روابط در شهرها، امکان اداره‌ی امور انفرادی و آمرانه را از میان برده است (مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

نظریه‌های مشارکت در ایران

مشارکت شعاری (Participation slogan)؛ در واقع مشارکت محسوب نمی‌شود بلکه، ادعای داشتن مشارکت است. نیت اصلی نه تأمین منافع مردم، بلکه تأمین منافع مراجع برنامه‌ریزی است و علت اصلی توسل به مشارکت، کسب مشروعیت برای طرح و کاهش مقاومت مردم در مقابل آن و در نتیجه، سهولت اجرای طرح است نیت اصلی در مشارکت محدود؛ تأمین منافع مردم تا جایی است که با منافع مردم و مراجع برنامه‌ریزی تضاد پیدا نکند. هدف اصلی مشارکت واقعی؛ تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است.

مشارکت محدود (Limited partnership)؛ نیت اصلی تأمین منافع مردم تا جایی است که با منافع مردم و مراجع برنامه‌ریزی تضاد پیدا نکند. مردم اظهار نظر و مخالفت دارند؛ اما نمی‌توانند بر اجرای نظراتشان نظارت داشته باشند. جریان اطلاعات در این نوع مشارکت معمولاً از پایین به بالاست. پشوانه این نوع مشارکت، دیدگاه‌های کارکردگرایانه و فن‌سالارانه است.

مشارکت واقعی (Actual participation)؛ نیت اصلی تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم مردم است. هزینه‌های این امر توسط دولت یا سازمان پشتیبان طرح تأمین می‌شود. جریان اطلاعات در این نوع مشارکت، دو سویه و بسیار فعال است و مراجع برنامه‌ریزی و مردم هر دو اطلاعاتشان را در اختیار هم می‌گذارند. پشتوانه فکری این گونه از مشارکت، دیدگاه‌های مردم‌سالارانه لیبرال و مشارکت مستقیم است (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸: ۲۱).

ویژگی محدوده مورد مطالعه

کلان شهر اهواز امروزه با گسترش بافت‌های فرسوده مواجه است؛ گسترشی که گذشته از خطرها و آسیب‌های احتمالی فرصتی تازه پیش روی شهر می‌گشاید. در این میان بخش مرکزی (محدوده مورد مطالعه) نماد اهواز قدیم است. محدوده این بخش از فروشگاه رفاه (خیابان شهید عظیم) تا پل سیاه (پل قطار) در امتداد رودخانه و از پل سیاه تا بلوار آیت‌الله بهبهانی است که هسته اصلی شهر را تشکیل می‌دهد. در تقسیمات مناطق هشت‌گانه شهری اهواز در منطقه یک قرار دارد و دارای ۲۶۹/۹ هکتار وسعت است که شامل محلات نادری، رفاه، باغ شیخ است. طبق سرشماری ۱۳۸۵ محدوده مورد مطالعه ۱۵۵۱ خانوار دارد که شامل ۶۰۷۲ نفر است. از

این تعداد، ۳۱۹۶ نفر مرد (۵۲/۶ درصد مرد) و ۲۸۷۶ نفر زن (۴۷/۳ درصد زن) و همچنین، از این میان ۹۱/۶ باسواد و ۸/۳ درصد بی‌سواد هستند (استاندارداری خوزستان، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

یافته‌های توصیفی تحقیق

یافته‌های توصیفی تحقیق در قالب جدول شماره (۱) به بررسی هفت شاخص عمده که به صورت پرسش‌نامه در قالب ۳۷ سوال گنجانده شده بود می‌پردازد. میل به مشارکت در گروه‌های گفتمان در بخش مرکزی اهواز در با توجه به مبانی نظری تحقیق از درصد قابل قبولی برخوردار است. به طوری که در مجموع ۶۹ درصد علاقمند به شرکت در گروه‌های گفتمان بودند. همکاری با شهرداری شهر جهت برنامه‌های بهسازی و زیباسازی نیز نشان از درصد مشارکت کمتری دارد که این مطلب (عدم همکاری) خود می‌تواند دلایل متعددی از جمله، مشکلات اقتصادی، عدم وقت کافی، نبود روحیه مشارکتی، مشکلات زندگی و در نهایت، درگیری‌های قومی داشته باشد. همچنین، میزان شرکت در برنامه‌ها و مراسم محله در بین ساکنان به تناوب وجود دارد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی مورد بررسی در بخش مرکزی اهواز

شاخص‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	فراوانی
شرکت در گروه‌های گفتمان پیرامون بافت فرسوده	۲۹	۴۰	۱۹	۱۲	۱۹۶
همکاری با شهرداری	۱۹	۲۳	۱۶	۴۲	۱۹۶
شرکت در مراسم‌ها و برنامه‌های محله	۲	۴۵	۳۶	۱۷	۱۹۶
میزان استقبال از طرح‌های نوسازی و بهسازی	۲۶	۲۹	۳۱	۱۴	۱۹۶
مشارکت در انجام طرح‌ها نوسازی و بهسازی	۳۰	۲۸	۳۱	۱۱	۱۹۶
از هم گسیختگی و جدایی با محله	۴۲	۲۳	۱۶	۱۹	۱۹۶
موافقت یا عدم موافقت با اجرای طرح بازسازی	۴۵	۳۴	۱۸	۳	۱۹۶
مشارکت با گروه‌های مردم نهاد (اصناف، بسیج، NGO)	۴۱	۳۷	۱۴	۸	۱۹۶

منبع: تحلیل نگارندگان ۱۳۹۰

غالباً در مناطق مرکزی شهرها خصوصاً مناطق مرکزی تجاری شهری شمار ساکنان غیره بومی و مهاجر زیاد است. همچنین، نسبت بالای از مسکن استیجاری وجود دارد. علاوه بر این، انواع

ناهنجاری‌های رفتاری را باید اضافه کرد که ساختارهای اجتماعی متفاوتی را در مناطق مرکزی سبب می‌شود. این ساختارهای متفاوت و ناهمگن خود باعث عدم مشارکت یا محدود کردن مشارکت می‌شود. با توجه به داده‌های جدول شماره (۱) به نظر خود ساکنین مشکلات زندگی را به عنوان عامل جدایی و از هم‌گسیختگی ساختار محله می‌دانند و همچنین، عامل عدم وقت کافی را نیز یکی از عوامل جدایی از ساختار اجتماعی از محله می‌دانند. هر چند باید به نبود روحیه مشارکتی نیز اشاره کرد. به طور کلی، از هم‌گسیختگی در محله در سطح زیاد برابر با ۶۵ درصد است. همچنین، میزان استقبال از طرح‌های بهسازی و نوسازی و موافقت با انجام این طرح و مشارکت در طرح‌های بخش مرکزی با توجه به تحلیل پرسش‌نامه‌ها در بخش مرکزی اهواز به عواملی زیاد بستگی دارد که رضایت ساکنین، برخورد ملایم مسئولان، دیدگاه سایر شهروندان در این میزان استقبال بی تأثیر نخواهد بود.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول

فرضیه اول به این صورت مطرح شده است که نبود روحیه مشارکتی عاملی تأثیرگذار بر تزلزل ساختارهای اجتماعی و نهادهای مردمی در امر نوسازی و بهسازی بافت‌های نابسامان شهری است. جهت اثبات یا رد این فرضیه از دو آزمون همبستگی و خی دو استفاده شده است که نتایج آن در جداول شماره (۲) و (۳) به صورت جداگانه ذکر شده است. آزمون اول محاسبه ضریب همبستگی کندال است که جدول شماره (۲) به بررسی آن پرداخته است. در این جدول ضریب همبستگی بین میزان نبود روحیه مشارکتی و ساختارهای اجتماعی مردمی ۰/۰۶۷ درصد، و سطح معنی‌داری ۰/۰۱۸ است. پس رابطه معنی‌داری بین این دو متغیر وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول از نظر آزمون ضریب همبستگی تأیید می‌شود. همچنین، در جدول شماره (۳) که به بررسی آزمون خی دو می‌پردازد سطح معنی‌داری در این آزمون برابر با ۰/۰۴۴ است که با درجه آزادی ۱ این فرضیه در این آزمون نیز تأیید می‌شود و در نتیجه، فرضیه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۲: آزمون ضریب همبستگی کندال جهت اثبات یارد فرضیه اول

ضریب همبستگی کندال		نمود	روحیه	ساختارهای اجتماعی و مردمی
		مشارکتی		
ضریب همبستگی کندال	نمود	مشارکتی	روحیه	ضریب همبستگی
				۱
	ساختارهای اجتماعی و مردمی		سطح معنی داری	۰/۱۶۹
			ضریب همبستگی	۰/۰۱۹
			سطح معنی داری	۱/۶۶۹
تعداد	۲۰۰	۲۰۰		

منبع: تحلیل نگارندگان ۱۳۹۰

جدول ۳: آزمون خی دو جهت اثبات یارد فرضیه اول

آزمون خی دو	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معنی داری
پیوند خطی - خطی	۴/۰۱۴	۱	۰/۰۴۴

منبع: تحلیل نگارندگان ۱۳۹۰

فرضیه دوم

فرضیه دوم به این صورت مطرح می‌شود که با تأکید بر جنبه مشارکتی طرح‌های نوسازی و بهسازی می‌توان نهادهای مردمی تأثیرگذار را در جریان نوسازی و بهسازی وارد کرد. بنابراین؛ فرضیه دوم به بررسی جنبه مشارکتی طرح‌های نوسازی و بهسازی و رابطه متقابل آن با نهادهای مردمی تأثیرگذار در جریان نوسازی می‌پردازد. نتیجه این بررسی با توجه به جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین میزان مشارکت طرح‌های بهسازی نوسازی و نهادهای تأثیرگذار مردمی ۱ و ۵۶ درصد و در سطح معنی داری ۵۷۸٪ درصد است. می‌توان گفت رابطه معنی داری بین این دو متغیر وجود ندارد. بنابراین؛ فرضیه دوم رد می‌شود و هیچ گونه ارتباطی بین میزان مشارکت طرح‌های بهسازی نوسازی و نهادهای تأثیرگذار مردمی وجود ندارد. همچنین، جدول شماره (۵) که این فرضیه را از نگاه آزمون خی دو بررسی می‌کند، نشان داد که درجه آزادی ۱ و سطح معنا داری ۰/۴۵۵ هیچ‌گونه رابطه معنی دار بین جنبه مشارکتی بودن طرح‌های نوسازی و بهسازی و نهادهای تأثیرگذار مردمی را تأیید نمی‌کند و بیشتر

مشارکت شعاری در میان است. بنابراین فرضیه دوم رد می‌شود.

جدول ۴: بررسی آزمون ضریب همبستگی در فرضیه دوم

آزمون ضریب همبستگی		مشارکتی بودن طرح‌ها	نهادهای مردمی تأثیرگذار
ضریب همبستگی کندال	مشارکتی بودن طرح‌ها	ضریب همبستگی	۰/۵۶
		سطح معنی‌داری	۰/۵۷۸
نهادهای مردمی تأثیرگذار	نهادهای مردمی تأثیرگذار	ضریب همبستگی	۱
		سطح معنی‌داری	۰/۵۷۸
		تعداد	۱۹۹

منبع: تحلیل نگارندگان ۱۳۹۰

جدول ۵: آزمون خی دو جهت اثبات یارد فرضیه دوم

آزمون خی دو	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
پیوند خطی - خطی	۰/۵۵۸	۱	۰/۴۵۵

منبع: تحلیل نگارندگان ۱۳۹۰

فرضیه سوم

فرضیه سوم این مورد را مطرح می‌کند که مسائل قومیتی و نبود روحیه مشارکتی عاملی منفی در ایجاد انگیزه تشویقی در بخش مرکزی اهواز جهت نوسازی و بهسازی است. بررسی داده‌های توصیفی پرسش‌نامه نشان می‌دهد که عمده‌ترین عوامل مطرح شده از سوی پاسخ‌دهندگان ضعف مالی و مشکلات زندگی در راستای عدم مشارکت بهسازی محله عنوان شده است. همچنین، جدول شماره (۶) به بررسی آزمون فرضیه با توجه به ضریب همبستگی کندال می‌پردازد. در این جدول مقدار ضریب همبستگی برابر ۱ و سطح معناداری ۰/۰۰ است. چون این میزان از ۰/۰۵ کمتر است فرض استقلال رد می‌شود و این دو سؤال با ضریب همبستگی ۰/۱۸۵ با هم رابطه دارند و فرضیه سوم تأیید می‌شود. همچنین، در جدول شماره (۷) که این فرضیه را از نگاه آزمون خی دو مورد بررسی قرار داده است نشان می‌دهد که سطح معناداری در این فرضیه برابر با ۰/۰۰۱ و درجه آزادی ۱ است. در نتیجه، رابطه معنی‌داری وجود دارد و

فرضیه سوم نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۶: بررسی آزمون ضریب همبستگی در فرضیه سوم

مسائل قومیتی و روحیه	عوامل جدایی گسیختگی	آزمون همبستگی کندال		
۰/۱۸۵-	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	عوامل جدایی گسیختگی	همبستگی کندال
۰/۰۰۵	-	سطح معنی داری		
۱/۰۰۰	۰/۱۸۵-	ضریب همبستگی	مسائل قومیتی و روحیه	
-	۰/۰۰۵	سطح معنی داری		
۱۹۰	۱۹۰	تعداد		

منبع: تحلیل نگارندگان ۱۳۹۰

جدول ۷: آزمون خی دو جهت اثبات یا رد فرضیه سوم

سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار آماره	آزمون خی دو
۰/۰۰۱	۱	۱۰/۳۷۰	پیوند خطی - خطی

منبع: تحلیل نگارندگان ۱۳۹۰

جمع بندی و نتیجه گیری

مشارکت از مهم ترین معیارهای موفقیت در برنامه ریزی محسوب می‌شود و بدون در نظر گرفتن اهمیت آن نمی‌توان امید چندانی به اثر بخشی فعالیت برنامه نوسازی و بهسازی داشت. بررسی تجارب طرح های شهری موفق در دنیا حاکی از به کارگیری به جا و مؤثر راهکارهای ذیل است:

- بهره گیری حداکثر از مشارکت مردم.
- به کارگیری راه حل های متعدد در مواجهه با مسائل چندوجهی.
- طراحی منطقی و هماهنگ با خواست های گروه های ذی نفع و ذی نفوذ.

همان طور که در مبحث یافته های تحقیق مطرح شد مشارکت در بخش مرکزی اهواز جهت اجرای طرح بهسازی و نوسازی با تأثیرگذاری گروه های مردم نهاد مورد بررسی قرار گرفت.

براساس نتایج این تحقیق مشارکت در این محدود بیشتر شعاری بوده است و گروه‌های مردم‌نهاد تأثیری حتی در مطالعات نوسازی و بهسازی در این بخش نداشته‌اند. درحالی که روحیه مشارکت جو مردمی و گروه‌های فعال (اصناف، هیئت‌های مذهبی و هیئت امنای مساجد و حسینیه‌ها) بالا است. در بررسی‌ها مشخص شد که ساکنان ۸۵ درصد تمایل به شرکت در گروه‌های گفتمان محله دارند و همچنین، ۴۳ درصد حاضر به مشارکت با شهرداری و شورای شهر نیز بوده‌اند. در بررسی دیگر مشخص شد که نزدیک به ۷۰ درصد در مراسم مذهبی و اجتماعی محله حضوری فعال دارند که این درصد بالا می‌تواند پشتوانه‌ای محکمی جهت هر گونه اصلاحات اجتماعی همچون توانمندسازی باشد. میزان استقبال ساکنان از طرح نوسازی و بهسازی محله نیز نزدیک به ۹۰ درصد می‌باشد. مشارکت فکری و مالی در جهت اجرای طرح نوسازی و بهسازی محله تشخیص داده شد. همچنین موانعی را جهت اجرای این طرح ذکر کردند که عمده‌ترین آن‌ها ضعف مالی و درگیری‌های قومی و نیز نبود روحیه مشارکتی بوده است که باعث شده است از نظر اجتماعی دچار از هم گسیختگی شوند. همچنین در بخش دیگر بررسی و تحلیل پرسش‌نامه‌ها مشارکت در بخش مرکزی اهواز در طرح‌های نوسازی و بهسازی با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته پایین می‌باشد که دلایل عمده می‌تواند در موارد زیر خلاصه شود.

ضعف ساختارهای موجود و نبود سابقه مشارکت در طرح‌های فرداست و پیشین در شهر اهواز، نبود نهادهای تأثیر گذار از جمله نهادهای مدنی در زمینه بهسازی شهری، عدم استفاده از تجربیات دیگر شهرهای کشور و جهان، نبود علاقه و انگیزه در بین مدیران شهری جهت جلب مشارکت مردمی، نبود مدیریت واحد یکپارچه شهری در بخش مرکزی اهواز باعث از هم گسیختگی برنامه‌های طرح‌های فرداست جهت بازسازی و نوسازی در بافت قدیم شهر شده است، عدم شکل‌گیری نهادهای مردمی همراه با تحولات اجتماعی مردم در سال‌های اخیر باعث شده است که جریان مشارکت در امور محله رو به کاهش نهد. مسئولین و برنامه‌ریزان شهری اگرچه به اهمیت نظرات و مشارکت آن پی برده‌اند ولی همچنان خود را متعهد و ملزم به رعایت این نظرات نمی‌دانند. مشارکت در بخش مرکزی اهواز از نوع شعاری بوده است و در هیچ کدام از برنامه‌ها و طرح‌های اجراء شده در چند سال اخیر اصول اولیه مشارکت رعایت نشده است.

پیشنهادها

پیشنهادهای مورد بررسی در قالب محورهای زیر قابل ارائه هستند:

شناسایی اصناف، هویت امنای مساجد و حسینیه‌ها و گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ فعال در بخش مرکزی اهواز، شناسایی و به‌کارگیری چهره‌های معتمد محلی، تشکیل و فعال کردن و ایجاد مشوق برای سازمان‌های مردم‌نهاد، استفاده از روش‌های مشارکتی برای ایجاد حس همکاری، برنامه‌ریزی زمانی مناسب، بومی کردن تعاریف و برنامه‌های پروژه از طریق تعامل مردمی، بازبینی روش‌های اجرایی در بخش مرکزی، باز تعریف بلوک‌بندی‌ها، آموزش روش‌های گروهی به مجریان، مبارزه جدی با شایعات محلی، هماهنگی نهادهای دولتی جهت همکاری با طرح، جایگزینی ودیعه مسکن با مسکن موقت.

منابع

۱. ادیبی سعدی‌نژاد، فاطمه (۱۳۸۹)، مفهوم بافت فرسوده و ویژگی‌های آن، ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی شماره ۵۴:
۲. احمدی، حسن و شهابی، منیرالسادات (۱۳۸۷)، مشارکت محلی ضامن بهسازی پایدار بافت‌های فرسوده نمونه موردی محله سیروس، اولین همایش بافت‌های فرسوده شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز:
۳. احمدی، حسن (۱۳۸۲)، موانع مشارکت شهروندان در فرایند شهرسازی، همایش مسائل شهرسازی، شیراز:
۴. اوست هویی‌زن، اندریاس (۱۳۷۷)، مشارکت شهروندان در طرح‌ریزی و توسعه نواحی شهری، ترجمه: ناصر برک‌پور، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۸ و ۴۹:
۵. ایزدی، محمدسعید (۱۳۷۷)، تحلیلی بر سیر اقدامات عمران و بهسازی بافت شهری از ابتدا تاکنون، نشریه داخلی مرمت و بهسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری، تهران:
۶. بذرگر، محمدرضا، سلطانی، علی و اکبریان، سعید (۱۳۸۸)، رویکرد تعاون محور در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مشهد:
۷. توسلی، غلام عباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، انتشارات دانشگاه تهران:
۸. حبیبی، سیدمحسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴)، شهرسازی مشارکتی - کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا شماره ۲۴:
۹. رهنما، محمدرحیم (۱۳۷۷)، روش‌های احیای بافت قدیم و توسعه شهر، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری:
۱۰. زنگی‌آبادی، علی؛ فرامرز، خسروی و صحرايیان، زهرا (۱۳۹۰)، استخراج شاخص‌های شناسایی بافت فرسوده شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (شهر جهرم)، مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۸، تهران:
۱۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۶)، معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان:
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۵)، معاونت آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان:
۱۳. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت، شهری، شماره ۸:
۱۴. شقایبی، سپیده (۱۳۸۵)، راهنمای شناسایی و مداخله در بافت‌های فرسوده مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، گردآورنده مهندسین مشاوران ناشر: شرکت ایده‌پردازان فن و هنر:

۱۵. شکاری غلامعباس (۱۳۷۹)، مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها، انتشارات جهان فردا؛
۱۶. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، بررسی موانع اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان یافته در قالب NTO در جامعه روستایی ایران، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران؛
۱۷. فلاملکی، محمدمنصور (۱۳۷۴)، بازنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران؛
۱۸. کائوتری، هونین و دیگران (۱۳۷۹)؛ مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غبرایی و داود طباطبایی، انتشارات روشن؛
۱۹. کلاتری خلیل‌آباد و پوراحمد، احمد (۱۳۸۴)، فنون تجارب برنامه‌ریزی مرمت بافت‌های تاریخی شهرها، انتشارات جهاد دانشگاهی؛
۲۰. گرهارد، لسنگی و چین لسنگی (۱۳۶۹)، سیر جوامع بشری، مترجم ناصر موفقیان، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی؛
۲۱. محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۷۹)، نوسازی شهری در آمریکا، تجربه بالتیمور، فصلنامه هفت شهر، شماره دوم؛
۲۲. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهر تهران (۱۳۸۰)، تجربیاتی چند از مدیریت نوین در کلان شهرهای مهم دنیا، نشر بیتا؛
۲۳. مقیمی، محمود (۱۳۸۲)، کارآفرینی و سازمان‌های مردم نهاد، انتشارات دانشگاه تهران، تهران؛
۲۴. نریمانی، مسعود (۱۳۷۹)، بهسازی بافت تاریخی، مدل‌سازی راهبردها و بنیان‌های ساختاری، ناشر مؤلف، تهران؛

25. Chopman, D., (1997), *Creating Zones and Locations in the Man-made Area*, Translated by Shahrzad Faryadi et al., Tehran University Press, No. 272;
26. Raslam Micael, (2001), *evaluating efficacy: the changing relationship between civil society and the Philippine stste*, http: Akbar, Marlboro;
27. Bagaen. S.Gh., (2006), *Housing conditions in the Old City of Jerusalem: An Empirical Study*, Habitat International 30 (2006), 87-106.